

# استقلال یا عدم استقلال در بیان قرآن

مینا ششمی

## چکیده

به طور طبیعی پس از تثبیت الهی بودن الفاظ قرآن و اصالت نص آن، مرحله بعد که بسیار اساسی و هدف نزول کتب آسمانی است، فهم محتوای وحی است که به «مبانی دلالی» نام بردار می‌باشد. مبانی دلالی تفسیر در مقابل مبانی صدوری به آن دسته از اصول و پیش فرض‌هایی گفته می‌شود که بر پایه آن‌ها می‌توان به مراد خداوند از آیات الهی دست یافت.

از جمله مبانی دلالی تفسیر قرآن، استقلال و یا عدم استقلال قرآن است. هر نوع موضع‌گیری در این رابطه می‌تواند خط‌مشی مفسر را در امر تفسیر مشخص سازد، زیرا اگر او بر این باور باشد که قرآن در بیان مطالب خود استقلال ندارد، لاجرم برای دستیابی به معانی قرآن باید به روایات مراجعه کند، ولی اگر برای قرآن استقلال قائل بوده و بر این اعتقاد باشد که آن برای تبیین مقاصدش به راهی دیگر نیازمند نیست، او باید نهایت تلاش خود را در راه کشف مفاهیم قرآن بدون استفاده از سنت مبذول دارد. این نوشتار در صدد است که دیدگاه‌های مختلف نسبت به این موضوع را بررسی نماید و در نهایت به این نتیجه رسیده است که برای فهم بیان قرآن باید از روایات مدد جست.

کلیدواژه: استقلال قرآن، مبانی دلالی، روایات، مفاهیم قرآن.

## مقدمه

منظور از استقلال و یا عدم استقلال در بیان قرآن این است که آیا در تفسیر قرآن نیاز و وابستگی به غیر آن وجود دارد یا نه؟ به عبارت دیگر در بیان معانی آیات الهی و آشکار ساختن مراد خداوند از آنها به روایات- سنت- نیاز است، یا بدون کمک گرفتن از سنت نیز می توان قرآن را تفسیر کرد.

شکی نیست که امکان فهم برخی از آیات الهی برای همگان وجود دارد، اگر چه قرآن از جهت دلالت، سهولت و یا دشواری فهم، دارای مراتبی است: بخشی از آن به گونه ای است که هر کسی می تواند به میزان توانایی ها و استعداد های خود به درک آن دست یابد، اما بخش دیگر چنان است که هر کسی را یارای فهم و پی بردن به اعماق و باطن و تأویل آن ها نیست، بلکه علم به آن ها نزد خدا و انبیاء و راسخان در علم است. و اگر دیگران بخواهند چیزی از بطون و اعماق آن آیات را بفهمند، باید به مفسران حقیقی قرآن مراجعه کنند. هر کدام از معصومان<sup>(ع)</sup> در دوره خود به تبیین و تفسیر مطالب قرآن کریم پرداخته اند و تاریخ کم و بیش شواهدی از فعالیت علمی آن بزرگواران را در خود ضبط کرده است. گر چه توجه به سنت در طول زمان، مورد توجه مفسران بوده است؛ اما به شهادت تاریخ، برخی به شکل افراطی از آن در تفسیر قرآن استفاده کردند به گونه ای که راه های دیگر را نفی کرده اند. عده ای دیگر نیز به خاطر گرایش تفریطی به سنت، آن را بی اعتبار ساخته اند و جمعی دیگر هم نسبت به آن گرایش میانه داشته اند.

در زمینه بهره گیری از قرآن کریم و در کنار آن، استفاده از کارکردهای سنت، اندیشه های متفاوتی مطرح شده است که می توان آنها را در چهار دیدگاه اساسی خلاصه نمود:

۱. اصالت قرآن «قرآن محوری»؛ ۲. اصالت سنت «سنت محوری»؛ ۳. اصالت قرآن و سنت «دوگانه محوری»؛ ۴. اصالت قرآن و حجیت سنت «قرآن محوری و سنت مداری».<sup>۱</sup>
- از این نظریات آن چه مورد نظر و مشهور است، دیدگاه سوم می باشد. اینک به بررسی این دیدگاه ها می پردازیم:

## دیدگاه اول: اصالت قرآن

این دیدگاه در صدر اسلام بر اساس مدارک تاریخی، از زبان اطرافیان رسول اکرم (ص) در زمان حضرت و در خانه ایشان به هنگام وصیت کردن با عبارت «حسبنا کتاب الله»<sup>۲</sup>، به ثبت رسیده است. بعد از آن به جهت ملاحظات سیاسی مورد تأکید قرار گرفت و زمینه منع کتابت حدیث رسول اکرم (ص) را فراهم ساخت، و حتی در دوران خلیفه اول و دوم، شاهد نابودی احادیث گردآوری شده هستیم.<sup>۳</sup> تا این که در اواخر قرن دوم هجری، با وجود نقل و روایت محدود حدیث، کتابت حدیث ممنوع شد. این موضوع خسارت‌های فراوان و جبران‌ناپذیری را بر جامعه اسلامی تحمیل کرد. در شبه قاره هندسید احمد خان اولین کسی بود که داعیه استقلال قرآن را مطرح نمود.<sup>۴</sup> وی علاوه بر انکار مضمون برخی روایات، در نسبت روایت‌ها به پیامبر (ص) تشکیک کرد و برای پذیرش روایات شروطی نهاد که جز در متواتر لفظی یافت نمی‌شود، و قبول آنها به انکار سنت ختم می‌شود:

معیار درست برای پذیرش روایات آن است که آنها با قرآن سنجیده شود؛ هر آنچه با قرآن موافق بود می‌پذیریم و آنچه موافق نبود طرد می‌کنیم. و اگر روایتی به پیامبر (ص) نسبت داده شود، وجود شروط سه‌گانه ذیل در آن الزامی است:

۱. آن روایت به یقین سخن رسول (ص) باشد؛<sup>۲</sup> شهادتی یافت شود تا بر اساس آن ثابت شود، کلماتی که راوی در حدیث آورده، همان کلمات نبی (ص) است؛<sup>۳</sup> کلمات نقل شده از سوی راوی، معانی دیگری جز آنچه ذکر شده، نداشته باشند.<sup>۵</sup>

بعد از هند، دومین جایگاه این دیدگاه در مصر است. کسانی چون محمد توفیق صدقی در مقاله «الاسلام هو القرآن وحده»<sup>۶</sup>، الارشادی أحمد زکی، در کتاب «ثورة الاسلام»<sup>۷</sup>؛ اسماعیل أدهم در کتاب «مصادر التاريخ الاسلامی»<sup>۸</sup> و محمد أبوزید الدمنه‌وری در کتاب «الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن»<sup>۹</sup> به نفی سنت تأکید کرده‌اند.

## دلایل قرآن‌گراها در ردّ کل روایات

قرآن‌گراها که داعیه استقلال قرآن از کل روایات را داشتند، چند دلیل یا شبهه بر انکار سنت یادآور می‌شوند که مهم‌ترین آنها به قرار ذیل می‌باشد:

۱. قرآن بیان کننده هر چیزی و حاوی همه نیازمندی های انسان است و با وجود آن نیازی به سنت نیست .

۲. عمل به سنت و دخالت دادن آن در قانون نوعی شرک است و خداوند ما را از آن نهی کرده و فرموده است: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (الأنعام، ۵۷/۶؛ یوسف، ۴۰/۱۲ و ۶۷).

۳. وقتی روایات حاوی احکام جدیدی باشند که در قرآن نیامده است، موجب تعارض ظنی الثبوت- اخبار- و قطعی الثبوت- قرآن- می شود. این ظنی بر قطعی حتی اگر مؤید حکم «قرآن» می باشد، نمی تواند غالب بر آن شود پس باید پیروی از قرآن کرد نه سنت، زیرا انکار قرآن باعث کفر می شود بر خلاف انکار سنت .

۴. پیامبر صحابه را بر اساس شرایط ویژه راهنمایی می کند و این بدین معناست که حدیث متناسب آن شرایط است و نمی توان آن را به سایر اوضاع و شرایط تعمیم داد .

۵. سنت از طریق کسانی روایت می شود که احتمال کذب و کم حافظگی در مورد آنها وجود دارد. و این ثقه مطلوب را نفی می کند. و به موجب این روایات نمی توان چیزی را در دین ثابت کرد؛ زیرا سنت فراتر از مرحله وهم و ظن نیست .

۶. سنت بخشی از منابع دینی به شمار نمی رود و صحابه نیز از آن چنین برداشتی داشته و بدین جهت از نوشتن آن باز داشته اند. ۱۰  
اما در نقد این دلایل به اجمال می توان گفت که :

اول: این توجیه که قرآن به تنهایی برای هدایت مسلمانان کافی است، توجیه غلطی است؛ زیرا قرآن در بسیاری از زمینه ها «از جمله: آیات الاحکام، سرگذشت های پیشینیان، و حتی مسائل اجتماعی و سیاسی» به اجمال سخن گفته. و طبق آیات قرآن، شرح و تبیین آن به عهده رسول خدا (ص) گذاشته شده است. ۱۱ رسول خدا (ص) نیز با بیان و عمل خود، به آن اقدام نموده است. در این صورت عمل به سنت شرک نبوده و قرآن نیز به آن توصیه نموده است افزون بر آن عمل به سنت و معتبر دانستن آن از سیره عملی مسلمانان محسوب می شود، که خود تأییدی بر اعتبار سنت نیز هست .

دوم: چگونه می توان فقط از قرآن پیروی کرد؟ اگر موضوعی در قرآن نیامده باشد، حکم آن را چگونه می توان تنها از طریق آیات الهی به دست آورد؟ و اگر چنین باشد، صاحبان این نظریه باید با هر نوع قانون و وضعیت جدیدی مخالف باشند .

سوم: این مطلب که احتمال دروغ و کمی حافظه در مورد راویان وجود دارد، مطلب درستی است، اما راه مقابله با آن ردّ سنت و نفی همه روایات نیست. بلکه می توان نسبت به نقل و تدوین روایات صحیح تمهیداتی اندیشید.

چهارم: همان طور که گذشت هر چند که تدوین در زمان خلفا ممنوع شد، اما یاران رسول خدا (ص) با این موضوع یکسان برخورد نکردند. عده ای تبعیت کردند، و برخی نیز تسلیم نشده و به صورت آشکار یا مخفیانه به نقل در تدوین حدیث ادامه دادند. علاوه بر آن بی رغبتی و نهی صحابه از کتابت حدیث در نتیجه شرایط سیاسی موجود بوده است.

### شیوه قرآن گراها در تفسیر قرآن

قرآن گراها با این پیش فرض می خواهند قرآن را تفسیر کنند که قرآن کامل است و برای تأمین آنچه که به حیات اسلامی ارتباط دارد، به چیزی نیاز ندارد. و بدین گونه سنت را منکر می شوند. بر اساس این انکار، تفاسیرشان مبتنی بر سه اصل است که تقریباً همگی به آن تصریح داشته اند.

این اصول سه گانه عبارتند از: ۱. کافی و وافی بودن قرآن در تأمین هر آنچه که به حیات اسلامی ارتباط دارد؛ ۲. اعتماد کلی به لغت عربی در شرح مفردات قرآن و معانی آن؛ ۳. روا داشتن تأویل در برخی آیات قرآن جهت استنباط نظریات معین.

هر کدام از این سه اصل مسائل و مبانی اعتقادی خاصی را ایجاب می کند که به جهت دوری از اطاله کلام آنها را ذکر نمی کنیم.<sup>۱۲</sup>

### معرفی دو تفسیر قرآن گرا

۱. تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان<sup>۱۳</sup>: این تفسیر که نوشته سید احمدخان هندی است، نخستین تفسیری بود که راه تأویل به شیوه عصری را در تبیین مفاهیم قرآن گشود. وی به گمان خود، آنچه را پیشینیان گفته بودند و با علم و عقل سازش نداشت، فرو ریخت و از نو بنیادی متناسب با فهم روز فراهم ساخت.<sup>۱۴</sup> نگرش احمدخان شباهت تمامی به روشنفکران دیندار عصر عقل گرایی قرن هجدهم اروپا داشت، که با ایمانی تابع عقل، نه وحی و دین، قائل به وجود خدا بودند. به تعبیر دیگر، او معتقد به اصالت عقل و اصالت طبیعت بود.

در نظر برخی قرآن پژوهان سید احمدخان در نتیجه همین بینش دئیستی-خداشناسانه طبیعی-اش از ذات خداوند و ارتباط او با جهان، امکان وقوع معجزه و تأثیر دعا را رد می کند. ۱۵ برخی از علما به خاطر نظریات خاص او درباره قرآن، معجزه، جبرئیل و... او را محکوم به کفر نمودند. ۱۶ وی درباره معجزات به تأویل گویی پرداخته است. ۱۷ نظیر این گونه تأویلات را، ذهبی از یکی از نویسندگان زمان خویش گزارش می کند، ولی نامی از وی نبرده است: وی درباره مصائب حضرت ایوب می گوید: این مصیبت ها به خاطر نافرمانی قوم وی بوده است که تمام انبیاء به آن گرفتار بوده اند. و مقصود از «ارْکُضْ بِرِجْلِكَ» (ص، ۳۸/ ۴۲) همان سعی و کوشش در امر تبلیغ است که سرانجام آن «هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ» (ص، ۳۸/ ۴۲) پاکی درون ها و نوشیدن آب گوارای، موفقیت و رسیدن به هدف است و مقصود از «وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ» (ص، ۴۳/ ۳۸) ایمان آوردن کسان و دیگران به او و پیروی کردن آنان از اوست. ۱۸

## ۲. الهدایه و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن:

تفسیر مزبور که تألیف ابوزید دمنه‌پوری می باشد، از جمله تفاسیری است که در محیط های علمی و دینی سروصدای زیادی به پا کرد و مردان دینی «الازهر» را واداشت که با مؤلف آن مناظره و مباحثه کنند و پس از مباحثه به این نتیجه رسیدند که نویسنده، قصد داشته تفسیری بنویسد تا کلام خدا را تحریف و معانی واقعی آیات را دگرگون کند و بدین وسیله معروف شود. ۱۹

در مقدمه این تفسیر، درباره ارزیابی و بررسی تفاسیر دیگر و توضیح روش تفسیری صحیح و مختار مؤلف آن، چنین آمده است: کار دستبرد و پیرایه بندی در کتب تفسیر به آن جا کشید که هیچ اصلی از اصول قرآن نمانده است مگر آن که در کنارش روایت ساخته شده ای به منظور از بین بردن قرآن و تبدیل و تحریف آن مشاهده می شود. و مفسران نیز بی آن که به حقیقت امر واقف باشند، همه این مطالب - ساختگی - را در کتاب خود آورده اند. ۲۰ این مفسر روایات را به کلی کنار گذارده، ارزش تفسیری آن را به یک باره انکار نموده است. ۲۱ تا آن که در مورد آیات احکام و قصص نیز از توضیحات روایات صرف نظر کرده، به استناد ظواهر آیات، قسمتی از مسلمات و مطالب مورد اتفاق مسلمانان را انکار و ادعاهای عجیبی را به قرآن نسبت داده است. به خصوص درباره احکام و قصص قرآن

هر آن چه را که از مدلول ظاهری آیات بیرون می‌باشد- گرچه از مسلمات فقه و تاریخ باشد- سخت مورد انتقاد قرار داده، آنها را انکار نموده است. ۲۲

نظر ابوزید دمنه‌وری درباره سنت را می‌توان چنین خلاصه کرد: سنت نکبتی بر مسلمین و دین خداست و باید آن را سوزاند و از صحنه وجود، پاک و نابود کرد. و این باید از صحیح بخاری و بعد صحیح مسلم شروع شود تا مردم از شر آن دو رهایی یابند. ۲۳ وی آیات دال بر معجزات را گونه‌ای به تأویل می‌برد که از امور خارق العاده محسوب نشود. ۲۴

### دیدگاه دوم: اصالت سنت

در ادامه شکل افراطی دیدگاه اول، اندیشه‌ای دیگر به حوزه بینش‌های اسلامی پا نهاد که در جهت مخالف آن قرار داشت. در این نگرش، نه تنها قرآن برای امت اسلامی کافی دانسته نشده، بلکه مرجعیت علمی قرآن، به طور مستقل و جدای از سنت انکار شده است، تا آن جا که به جز معصوم (ع) سزاوار نیست کسی برداشت خود را از قرآن کریم مراد جدی خداوند دانسته و آن را بین خود و خدا حجت قرار دهد. تنها در سایه کلام معصوم (ع) است که معنای قطعی آیات قرآن جلوه گر می‌شود. این دیدگاه نمی‌خواهد نقش قرآن را به کلی نفی کرده و سنت را بی‌نیاز کننده از آن بداند، بلکه بر این ادعا است که فهم قرآن ویژه پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است و آنها می‌توانند در آیات قرآن غور کنند و برای دیگران سزا نیست که در این وادی گام نهند.

پرهیز از مراجعه مستقیم به قرآن و روی آوردن به سنت، نخستین بار از برخی صحابیان و تابعان گزارش شده است. آنها به جهت احتمال در غلتیدن در ورطه تفسیر به رأی، از تفسیر قرآن سرباز می‌زدند، به گونه‌ای که برخی از ایشان به توقیفی بودن تفسیر قرآن، رأی دادند و آن را تنها در انحصار پیامبر (ص) دانستند. ۲۵

از محوری‌ترین پایه‌های تفسیر، موضوع توانمندی بشر برای فهم کتاب الهی است. از این رو، پرسش مهمی که اینک مطرح می‌شود این است که آیا تفسیر و فهم قرآن امکان پذیر است؟ به عبارت دیگر آیا قرآن برای بشر قابل فهم است؟ اگر ما فهم قرآن را امری ممکن بدانیم، به دنبال آن بحث جواز و عدم جواز تفسیر قرآن مطرح می‌شود، بدین معنا که آیا فهم قرآن، ویژه پیامبران و امامان معصوم (ع) است و یا آن که دیگران نیز به فراخور توانایی‌های

خویش و بارعایت آداب، شرایط و مقدمات لازم، قادر به درک و دریافت پیام‌های نورانی این یگانه کتاب آسمانی در عصر خاتمیت خواهند بود؟ در این که پیامبر (ص) و معصومان (ع) صلاحیت تفسیر قرآن را دارند، تردیدی نیست، اما آیا انسان‌های عادی نیز می‌توانند به فهم همه قرآن و مقصود خداوند دست یابند؟

پاسخ مثبت یا منفی به پرسش بالا، نتایج و آثار علمی و اخلاقی فراوانی برای حوزه‌های گوناگون از جمله فقه، اصول فقه، کلام، تفسیر و اخلاق در پی دارد.

در مورد جواز ورود دانشمندان به عرصه تفسیر قرآن اختلاف نظر وجود دارد. برخی در مورد آن سخت گرفته و گفته‌اند: برای هیچ کس هر چند دانشمند ادیب و متبحر در شناخت ادله و فقه و نحو و اخبار و آثار باشد، جایز نیست که چیزی از قرآن را تفسیر کند و تنها برای اوست که به روایت پیامبر (ص) و صحابه‌ای که شاهد نزول آیات بوده و تابعانی که - معانی قرآن را - از آنان فرا گرفته‌اند، منتهی شود. ۲۶

به عبارت دیگر تفسیر قرآن جز با روایت صحیح از پیامبر (ص) و امامانی که سخن آنان مانند سخن پیامبر (ص) حجت است، جایز نمی‌باشد. ۲۷

این نظریه را می‌توان به اخباری‌ها نسبت داد. آنان بر این باورند که ظاهر قرآن به تنهایی و بدون رجوع به معصوم (ع) قابل فهم نیست و این امر باعث شد که سنت در فهم دین، محور شود. نزاع دراز دامن، میان اخباریان<sup>۲۸</sup> و اصولیان که بخش بزرگی از آن بر مسأله حجیت ظواهر قرآن متمرکز گردیده است، سبب شده است تا این مسأله به گونه‌ای دقیق‌تر مورد توجه قرار گیرد و در اثبات، نقض و ابرام آن تلاش بیشتری صورت پذیرد. ۲۹ محمد امین استرآبادی در مخالفت با حجیت ظواهر قرآن چنین می‌گوید:

...بیشتر قرآن، نسبت به فهم مردم، حالت رمزوار و معماگونه دارد و همچنین بسیاری از احادیث نبوی (ص). در آنچه از احکام شرعی - اعم از اصلی و فرعی - نمی‌دانیم، راهی جز روایات رسیده از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) وجود ندارد. روانیست که برای به دست آوردن احکام نظری به استنباط از ظواهر کتاب و روایات نبوی پردازیم، مادامی که از ناحیه اهل ذکر - امامان معصوم (ع) - درباره آنها چیزی نیامده باشد، بلکه لازم است در این حالت در مورد آنها توقف و احتیاط نماییم. ۳۰

این سخن به روشنی بیان گر این نکته است که همه افراد نمی‌توانند به تنهایی به مقاصد



قرآن و سنت پیامبر (ص) دست یابند؛ زیرا این دو به شکل رمزی و معما وار بیان شده اند. تنها امامان معصوم (ع) هستند که می توانند این رموز و اسرار را کشف کرده و مفاهیم آن را در اختیار بشر قرار دهند. از این رو در آیاتی که از ناحیه امامان معصوم (ع) در باره آن سخنی نرسیده است، راهی جز توقف و سکوت وجود ندارد.

امام خمینی نیز می گوید: ... تا آن جا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری، از مقام شامخ اُحدیّت به کشف تام محمدی (ص) تنزل کرد که بشریت را به آن چه باید برسند، برساند و این ولیده علم الاسماء را از شر شیاطین و طاغوت ها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را به دست اولیاء الله معصومین - علیهم صلوات الاولین و الاخرین - بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت است بسپارند، چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد. ۳۱

### دیدگاه سوم: اصالت قرآن و سنت

در این دیدگاه، که میان مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت طرفداران بسیاری دارد، قرآن و حدیث از مهم ترین منابع شناخت دین به شمار آمده و جز در موارد تعارض و یا ضعف احادیث، روایات قابل پذیرش و معتبر هستند. طبق این نگرش قرآن در اختیار همه بوده و چنان نیست که فهم معانی آن، تنها در اختیار پیامبر (ص)، و امامان معصوم (ع) و غیره باشد؛ بلکه بنا به دعوت همگانی قرآن به تفکر و تدبیر در آیات آن، هر کس در حد فهم و توان خود، زمینه بهره گیری از معارف قرآن را دارا می باشد. با این وجود قرآن از سنت بی نیاز نیست؛ چه برای وصول به حقایق و بطون قرآن، و چه برای رفع ابهامات آن، و چه برای دستیابی به جزئیات و تفصیل معارف دینی.

آیت الله خوئی در این رابطه می نویسد: مفسر باید از ظواهری که عرب زبانان می دانند، تبعیت کند؛ چرا که ظواهر حجت است و یا از حکم عقل فطری صحیح پیروی کند که حجت داخلی است، چنان که پیامبر حجت بیرونی است و یا از معصومان تبعیت کند؛ زیرا آنان مرجع دین اند و پیامبر (ص)، مسلمانان را به تمسک به آنان وصیت کرده است. ۳۲

خداوند نیز مانند هر متکلم دیگری مجاز است برای کلامش قرینه مفصل قرار دهد و مخاطبان را مکلف سازد تا به آن مراجعه کنند. سنت به منزله قرینه مفصل است که حجیت

و اعتبار داشته و می‌توان آن را برای فهم مراد جدی خداوند به کار بست. ۳۳

مراد از این دیدگاه آن است که قرآن کریم از جانب خدای متعال برای هدایت انسان‌ها نازل شده و در بیانات خود، به زبان مردم سخن گفته است. و آنچه از معارف، احکام و سایر علوم که از قرآن کریم با رعایت قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره فهمیده می‌شود، کاشف از مراد خدای متعال و معتبر است. ولی برای فهم قرآن باید به همه قراین متصل و منفصل آیات توجه شود. و یکی از قراین منفصل روایات معتبری است که در تبیین معنا و مراد آیات، از پیامبر (ص) و خاندان ایشان رسیده و به دلیل پیوندی که پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) با قرآن دارند، سخنان آن بزرگواران همواره مورد استفاده مفسران در کار تفسیر قرآن بوده است.

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: اهل سنت کتاب را گرفته و عترت را رها ساختند و در نتیجه قرآن هم کنار زده شد، زیرا پیامبر (ص) فرمود: قرآن و عترت جدایی ندارند. شیعیان عترت را گرفته و قرآن را رها کردند و این به ترک عترت انجامید، زیرا رسول خدا (ص) فرمود: آن دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند. از این رو امت اسلام، قرآن و عترت و کتاب و سنت را رها ساختند. ۳۴

قرآن کریم از جمله کتاب‌هایی است که هر چند دست‌یابی به بخشی از معارف و تعالیم آن بدون نیاز به معلم یا روایات امکان‌پذیر است، و فهم سطح‌ظاهری آن قابل بهره‌برداری برای همگان است، اما در فهم معنای بخشی دیگر از آیات آن باید از معلم و مبین واقعی استمداد جست؛ کسانی که خداوند مقرر کرده و بدون کمک از ایشان بسیاری از آیات الهی مجمل مانده و بسیاری از احکام آن عملی نیست. و حتی در مواردی، معنایی از آیات فهمیده می‌شود که مراد خدای متعال نیست و برای پی‌بردن به معنایی که مراد خداوند است، ناگزیر باید از معلمان قرآن و سخن‌آنان کمک گرفت. افزون بر آن، قرآن به سبب دارا بودن برخی ویژگی‌ها، مانند: داشتن باطن ۳۵، گستردگی معارف و همه‌سویه‌نگری و وجود آیات متشابه، نیازمند درنگ و تأمل بیشتری است که در پرتو سنت نبوی و ائمه معصوم (ع) دست‌یافتنی است. در تأیید این موضوع و ضرورت استفاده از سنت در تفسیر آیات الهی می‌توان به برخی آیات قرآن از جمله آیه ۴۴ سوره نحل و آیه ۲ سوره جمعه استناد نمود. به کارگیری چنین شیوه‌ای در تفسیر قرآن، پیدایش «روش تفسیری روایی» را موجب گشت.

## پیشینه تفسیر روایی

روش تفسیر روایی قرآن، یکی از ریشه دارترین و رایج ترین شیوه های تفسیری است. این شیوه تفسیری، یکی از اقسام «تفسیر مأثور» و «تفسیر نقلی» است و به «منهج اثری» معروف است. در تفسیر مأثور، قول و فعل و تقریر پیامبر (ص) حجیت دارد و شیعیان همین حجیت را برای جانشیان معصوم (ع) آن حضرت - امامان دوازده گانه - قائل اند. ۳۶ اهل سنت، به دلیل اعتقاد به عدالت صحابه، اخبار و سخنان آنان را نیز معتبر می شمارند و در تفسیر قرآن به آنها استناد می کنند. گرچه همه دانشمندان اهل سنت، عدالت صحابه را محرز نمی دانند، اما فی الجمله استنادجویی به دیدگاه های صحابه - حتی برخی از ایشان استناد به تابعین - را نیز می پذیرند.

با تغییر و تحول دانش ها و افکار، این روش، فراز و نشیب های زیادی به خود دیده است که اوج آن را می توان در قرن های سوم و چهارم و نیز قرن های دهم، یازدهم و دوازدهم جستجو کرد. با این وجود سیر تاریخی آن به زمان پیامبر (ص) بر می گردد. تفسیر روایی قرآن، همراه وحی شکل گرفته است؛ چه این که متصدی اصلی آن رسول خدا (ص) و متن اصلی آن روایاتی است که از آن بزرگوار به دست ما رسیده است.

البته سنت پیامبر (ص) و بیان او ریشه در وحی داشت. از این رو، سنت از مهم ترین منابع شرع، و شارح قرآن است. چنان که از آن حضرت حکایت شده که فرمودند: «ألا إني أوتيت القرآن و مثله معه، یعنی: السنّه» ۳۷؛ آگاه باشید به من قرآن داده شده و مانند آن نیز یعنی سنت همراه او است. منظور از تفسیر روایی این است که در تفسیر قرآن از سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) برای کشف و روشن کردن معانی و مقاصد آیات استفاده شود، به عبارت دیگر مکتب تفسیری روایی، هیچ گونه اجتهاد را در فهم و تفسیر آیات بر نمی تابد و جز روایات تفسیری، منبع دیگری را شایسته اعتنا و سزاوار اعتماد نمی داند.

مفسرین اکثراً به پی جویی معانی تفصیلی آیات قرآن نپرداخته، وارد بحث های فلسفی، کلامی، و احیاناً فقهی نمی شدند. ۳۸ این روش تفسیری در عصر امامان (ع) نیز ادامه داشت. به عنوان مثال، حضرت علی (ع) سخنان رسول اکرم (ص) را شنیده و نقل می کردند. روایات امامان معصوم طبق بیانات قرآنی ۳۹ و حدیث متواتر ثقلین ملحق به سنت

رسول خدا (ص) است. صحابه و تابعین نیز به احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) توجه کرده و خود را از آن بی‌نیاز نمی‌دیدند. چنان‌که بسیاری از احادیث تفسیری ابن عباس از امام علی (ع) است.<sup>۴۰</sup> خلاصه آن‌که در باور مسلمانان، احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) به دلیل اتصال به سرچشمه وحی، همانند متن قرآن معتبر بوده، در درک و فهم قرآن به این روایات اعتماد و بسنده می‌کردند.

### دیدگاه چهارم: اصالت قرآن و حجیت سنت

این دیدگاه در قرن چهاردهم هجری به منصف ظهور رسید و مراد از آن، این است که قرآن را می‌توان به کمک خود قرآن تفسیر کرد. یکی از مفسرانی که معروف به داشتن این نظریه است، مرحوم علامه طباطبایی<sup>(۵)</sup> مؤلف تفسیر «المیزان» است. ایشان قرآن را مستقلاً قابل فهم و درک می‌داند و در این تفسیر و کتاب «قرآن در اسلام» به آن عنایت دارد. البته وی در کنار استقلالی دانستن قرآن، حجیت روایات را نیز پذیرفته است، ولی درباره کیفیت آن بیاناتی را مطرح می‌کند. روش تفسیری علامه «تفسیر قرآن به قرآن» است.

البته همه کسانی که روش تفسیر قرآن به قرآن را روشی نیکو می‌دانند، طرفدار آن نیستند. به عنوان مثال، ابن کثیر تفسیر قرآن به قرآن را صحیح‌ترین راه تفسیر می‌داند و با این حال مفسر را در تفسیر قرآن بی‌نیاز از روایات نمی‌داند. وی در مقدمه تفسیرش گفته است: اگر گوینده‌ای بگوید نیکوترین راه تفسیر چیست؟ جواب این است که صحیح‌ترین راه در آن تفسیر قرآن به قرآن است [زیرا] آنچه در موضعی [از قرآن] مجمل است در جای دیگر مفصل آمده است، پس اگر از آن ناتوان شدید به سنت روی آورید؛ زیرا که آن شارح و توضیح دهنده قرآن است... و غرض این است که تفسیر قرآن را از خود قرآن طلب کنید و اگر آن را [از قرآن] به دست نیاوردید آن را از سنت بجویید...<sup>۴۱</sup>

همان‌طور که مشخص است این دیدگاه<sup>۴۲</sup> با سایر دیدگاه‌های مطرح شده، متفاوت است. زیرا، نه مانند دیدگاه اول یا نظریه قرآن‌گراها است که محوریت را تنها برای قرآن قبول داشته و سنت را به طور کلی طرد کردند؛ و نه شبیه دیدگاه دوم است که تفسیر قرآن را در انحصار پیامبر (ص) و ائمه (ع) می‌داند. و در عین حال مانند دیدگاه سوم - اصالت قرآن و سنت - نیز نیست؛ زیرا در این دیدگاه سنت به عنوان دومین منبع مستقل دین‌شناسی می‌باشد.

## ارکان این دیدگاه

این دیدگاه مبتنی بر دو رکن است: الف: قرآن به صورت مستقل قابل فهم و تفسیر است. و از این حیث به روایات نیازی نیست؛ ب: حدیث حجیت داشته و در کنار قرآن، منبع مهم معرفت شناسی دینی به شمار می رود. علامه در باره این ارکان چنین می نویسد: حقیقت آن است که راه فهم قرآن بسته نیست و کتاب خداوند خود راهی برای فهم خودش است، یعنی: برای تبیین مقاصدش به راهی دیگر نیازمند نیست. ۴۳

وی در ادامه منافات بین قرآن و سنت را رد کرده و می نویسد: و البته آنچه گفته شد، منافات ندارد با این که پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) عهده دار بیان جزئیات قوانین و تفصیل احکام شریعت - که از ظواهر قرآن مجید به دست نمی آید -، بوده اند و همچنین سمت معلمی معارف کتاب را داشته اند. ۴۴

و یا در مقدمه تفسیرش گفته است: ... و خدا جز به تدبر در آیات کتابش دعوت نکرده است. پس با تدبر هر اختلافی که از آیات به نظر آید برطرف می شود و آن - کتاب - را هدایت و نور و تبیان برای هر چیزی قرار داده است. پس این نور را چه شده است که با نور غیر خودش روشن می گردد و چگونه از هدایت غیر بهره می برد؟ ... چیزی که تبیان برای هر چیز است، چگونه به کمک چیزی غیر از خود آشکار شود؟ ۴۵

ایشان، شأن پیامبر (ص) را شأن تعلیم قرآن دانسته و افزوده که کار معلم، آسان کردن راه و نزدیک کردن مقصد است، نه ایجاد راه و آفرینش مقصد، آنگاه چنین آورده است: این، آن چیزی است که آیات قرآن، همچون «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ...» (النحل، ۴۴/۱۶) و «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (الجمعة، ۲/۶۲)، بر آن دلالت دارند. پس پیامبر اکرم (ص)، تنها آن چیزی را که قرآن خود به آن دلالت دارد، به مردم تعلیم داده و تبیین کرده است؛ همان مفادی که خداوند سبحان با کلامش آن را بیان کرده و مردم نیز بالاخره [هر چند با تدبر و جستجو] به آن دسترسی پیدا می کنند... به علاوه، روایات متواتری که در بر دارند و وصیت پیامبر (ص) به تمسک به قرآن و عمل به آن و عرضه روایات نقل شده از ایشان بر قرآن است، تنها در صورتی معنایش تمام است که تمام منقولات از پیامبر (ص)، قابل برداشت از قرآن باشد. حال اگر فهم قرآن، منوط به بیان پیامبر (ص) باشد، دور باطل است. ۴۸

شواهد دیگری نیز در کلام علامه مبنی بر اصالت استقلال قرآن وجود دارد که مجالی برای ذکر آنها نیست. ۴۹ علاوه بر آن توضیح کامل «روش تفسیر قرآن به قرآن» و ارکان آن به موضوع اصلی این نوشتار مربوط نمی باشد، ویژگی های این روش را می توان در تألیفات دیگر دید.

### بررسی دلایل مرحوم علامه طباطبایی

ما در این قسمت قصد بیان و بررسی تفصیلی دلایل علامه را نداشته و فقط به نکاتی چند اشاره می کنیم.

مجموع مطالب تفسیر المیزان در زمینه تفسیر قرآن به قرآن، و ادعای «استقلال قرآن در حجیت» را می توان به دو بخش عمده تقسیم کرد:

**نخست:** ادله اثبات استقلال قرآن شامل: الف: آیات؛ ب: روایات؛ یعنی: اخباری که امر به تمسک به قرآن نموده، روایاتی که عرض اخبار بر قرآن را لازم دانسته، و احادیثی که - به تصور ایشان - بالمطابقه بر مقصود دلالت دارد. ج: سیره عملی اهل بیت (ع).  
**دوم:** آنچه در رد مخالفان نظریه خویش ارائه نموده است، شامل: الف: اشکال در استدلال آنها به آیات؛ ب: اشکال در استدلال آنها به روایات؛ یعنی: روایات ناهیه از تفسیر به رأی، قول به غیر علم در قرآن، خوض و جدال در آن و... و حدیث ثقلین و غیره.

سپس ایشان در آخر برای روایات مختلفی که در این زمینه وارد شده است، پاسخ هایی ذکر کرده اند. ۵۰ نسبت به دلایل علامه دو نگاه متفاوت وجود دارد، برخی از محققان دلایل علامه را مورد نقادی قرار داده و به آنها پاسخ داده اند. ۵۱ و در مقابل برخی دیگر سعی نموده اند تا شبهه بی نیازی از سنت در بیان علامه را برطرف ساخته و دیدگاه استقلال قرآنی وی را موجه نشان دهند. ۵۲

### نتیجه گیری

یکی از مهم ترین اهداف نزول قرآن، این کتاب آسمانی، هدایت انسان و آشنایی بیشتر او با مقاصد و مفاهیم آیات وحیانی می باشد. در واقع قرآن کریم اقیانوس بی کرانی است که همگان را به مقدار توانایی علمی و سعه وجودی شان بهره می بخشد. اما این که

آیا قرآن در تبیین مقاصد خویش به امر دیگری از جمله روایات و سنت نیاز دارد یا نه؟ دیدگاه‌های گوناگونی به دنبال داشته است، از میان این دیدگاه‌ها آن که مشهور و مورد قبول است، دیدگاه اصالت قرآن و سنت می‌باشد.

طبق این دیدگاه، فهم معانی قرآن تنها اختصاص به گروهی خاص ندارد، که بنا به دعوت همگانی قرآن به تفکر و تدبیر در آیات آن، هر کس در حد درک و توان خود می‌تواند از معارف وحیانی بهره‌مند شود. آیات متعددی نیز در قرآن وجود دارد که قرآن را «بیان»

«تبیان»، «کتاب مبین»، به زبان عربی آشکار و سهل و آسان برای پند گرفتن معرفی می‌کنند. با این وجود قرآن از سنت بی‌نیاز نیست. و آیات متعددی از قرآن نیز دلالت می‌کنند بر این که فهم قرآن فی الجمله به معلم و مبین نیاز دارد. البته باید اذعان داشت این دسته از آیات با یکدیگر منافات ندارند، زیرا معارف قرآن مراتب و سطوح متفاوتی دارد و دلالت آیات الهی بر آن معانی یکسان نیست؛ قسمتی از آن صریح و آشکار بوده و به تبیین نبوی (ص) نیاز ندارد ولی قسمتی دیگر از آن پس از بیان پیامبر اکرم (ص) آشکار می‌گردد. از آنجا که ائمه معصومین (ع) جانشین آن حضرت هستند، این سخن در مورد بیان آنان نیز قابل تعمیم است. گرچه توجه به سنت در طول زمان مورد توجه مفسران بوده است، اما به شهادت تاریخ برخی به شکل افراطی از آن در تفسیر قرآن استفاده کردند به گونه‌ای که راه‌های دیگر رانفی کرده‌اند. عده‌ای دیگر نیز به خاطر گرایش تفریطی به سنت، آن را بی اعتبار ساخته‌اند، و جمعی دیگر هم نسبت به آن گرایش میانه داشته‌اند.

بنابراین برای وصول به حقایق و بطون قرآن، فهم آیات متشابه، و دستیابی به جزئیات و تفاسیل معارف و احکام دین، باید از سنت مدد گرفت. تنها در این صورت است که مردم می‌توانند به خوبی از این مائده الهی کمال استفاده را ببرند.

از این عبارت این است که قرآن ما را کفایت می‌کند و به چیزی غیر از آن نیاز نداریم و همه مطالب مورد نیاز خود را از متن کلام خدا که در اختیار داریم، درمی‌یابیم. طبق این دیدگاه رسول اکرم (ص) رسالت ابلاغ وحی که بر عهده داشته به انجام رسانیده و به جوار قرب ربوبی راه یافته و اکنون ما هستیم و قرآن.

۱. اساس این تقسیم چهار گانه از مقاله «رابطه قرآن و حدیث» تألیف مهدی مهریزی، علوم حدیث/ش/۲۹/پائیز ۱۳۸۲ و نیز مقاله «رابطه متقابل کتاب و سنت» از علی نصیری، علوم حدیث/ش/۱۵/بهار ۱۳۷۹، گرفته شده است.  
۲. ر. ک: صحیح البخاری، ۱/۳۶؛ و ۵/۱۳۷؛ و ۷/۹؛ صحیح مسلم، ۵/۷۵؛ مسند احمد، ۱/۳۲۴، ۳۳۶. مراد

۳. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۲/ ۴۱۷، مسند احمد، ۳/ ۱۲ و ۱۴.
۴. داعیه اعتماد بر قرآن بدون سنت در تشریح اسلامی در هند در اواخر قرن نوزدهم شروع شد. منطقه پنجاب هند خاستگاه دو حرکت ویرانگر اسلام بوده است. یکی حرکت القادیانیه و دیگری قرآنیه. احمد قادیانی ادعای نبوت کرد (۱۹۰۰ م) و در سال ۱۹۰۲ غلام نبی معروف به عبدالله جکر الوی مؤسس حرکت قرآنیه، کل سنت را انکار کرد. (القرآنیون و شبهاتهم حول السنة/ ۲۰). علت های عدیده ای در شکل گیری حرکت قرآنیه مؤثر بوده است، ولی سبب مستقیم آن ضرورت وحدت اسلامی زیر یک چتر بود. اما بخاطر جهل شان به اسلام راه را گم کردند. همان/ ۲۴. در عصر حاضر ۴ فرقه از قرآنیون موجود است که دو امر، آنها را گرد هم جمع نموده است: الف: اکتفا به قرآن در امور دنیا و آخرت؛ ب: حجیت نداشتن سنت نبوی در دین. همان/ ۵۷.
۵. همان/ ۱۰۶.
۶. المنار، ۹/ ۵۱۷، ۹۰۶.
۷. ر. ک: القرآنیون و شبهاتهم حول السنة/ ۱۷۶.
۸. همان/ ۱۸۰-۱۸۱.
۹. همان.
۱۰. همان/ ۹۳-۹۵ و نیز ر. ک، القرآنیون و شبهاتهم حول السنة/ ۲۱۰-۲۴۳.
۱۱. النحل، ۱۶/ ۴۴؛ الجمعة، ۲/ ۶۲.
۱۲. ر. ک. القرآنیون و شبهاتهم حول السنة/ ۲۶۵-۲۸۵.
۱۳. این تفسیر، ۱۶ سوره اول قرآن- تا سوره نحل- را در بر می گیرد و توسط سید محمد تقی فخر داعی گیلانی در دو بخش به زبان فارسی ترجمه شده است.
۱۴. تفسیر و مفسران «معرفت»، ۲/ ۵۰۹-۵۱۰.
۱۵. همان/ ۵۱۳.
۱۶. القرآنیون و شبهاتهم حول السنة/ ۱۰۲.
۱۷. القرآن و هو الهدی و الفرقان، ۱/ ۱۱۰-۱۵۰.
۱۸. التفسیر و المفسرون، ۲/ ۵۲۴-۵۲۶.
۱۹. همان/ ۵۳۲.
۲۰. همان/ ۵۳۳.
۲۱. الفکر الدینی فی مواجهة العصر «الشرقاوی»/ ۶۵.
۲۲. مبانی و روش های تفسیر قرآن «عمید زنجانی»/ ۱۸۲.
۲۳. القرآنیون و شبهاتهم حول السنة/ ۱۸۱.
۲۴. همان.
۲۵. رابطه قرآن و حدیث/ علوم حدیث/ ش/ ۱۲/ ۲۹.
۲۶. مقدمه جامع التفسیر «راغب اصفهانی»/ ۹۳.
۲۷. التبیان فی تفسیر القرآن، ۱/ ۴.
۲۸. «اخباریان»: در فقه متأخر امامی اینان، گروهی هستند که به پیروی از اخبار و احادیث اعتقاد دارند و روش های اجتهادی و اصول فقه را نمی پسندند. در مقابل آنان فقیهان هوادار اجتهاد قرار می گیرند که با عنوان «اصولی» شناخته می شوند. بدون لحاظ عنوان های «اخباری» و «اصولی» تقابلی این دو گونه نگارش به فقه امامی در سده های نخستین اسلامی ریشه دارد. در مطالعه مکاتب فقهی امامیه در سه قرن آغازین می توان جناح هایی را باز شناخت که در برابر پیروان متون روایت به گونه هایی از اجتهاد و استنباط دست می یازیده اند... کاربرد اصطلاح اخباری برای پیروان متون روایت و اخبار، نخستین بار در نیمه نخست سده ششم قمری/ ۱۲ میلادی در ملل و نحل شهرستانی به چشم می آید. ر. ک: دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۷/ ۱۰۶.
۲۹. قرآن و چگونگی پاسخگویی به نیازهای زمان «کلاتری»/ ۳۵.
۳۰. الفوائد المدنیه/ ۴۷-۴۸.
۳۱. صحیفه نور، ۲۱/ ۱۷۰.
۳۲. البیان فی تفسیر القرآن/ ۳۹۷-۳۹۸.
۳۳. اصول الفقه «مظفر»، ۱/ ۱۳۲-۱۳۳.
۳۴. میزان، ۵/ ۲۹۸.
۳۵. روایات متعددی بر وجود بطن برای قرآن کریم دلالت دارند که علامه مجلسی آنها را در جلد ۸۹ بحار الأنوار جمع آوری کرده است.



۳۶. احقاق الحق، ۲/ ۳۶۱.
۳۷. الاتقان «سیوطی»، ۲/ ۱۷۵.
۳۸. التفسیر و المفسرون/ ۹۷.
۳۹. النحل، ۱۶/ ۴۴؛ الجمعة، ۲/ ۶۲.
۴۰. بحارالانوار، ۸۹/ ۱۰۵-۱۰۶.
۴۱. تفسیر القرآن العظیم، ۴/ ۱.
۴۲. یکی دیگر از صاحبان این دیدگاه محمد صادقی تهرانی، مؤلف تفسیر الفرقان است. وی در مقدمه تفسیرش می نویسد: «وقتی قرآن تنها تکیه گاه و مرجع برای غیرش بود، پس این که برای خودش نیز مرجع شود سزاوارتر است، زیرا تمسک به قرآن در امور مشتبه، اصلاح و رسیدن به رشد در آن امور است، پس حق و شایسته قرآن است که در تفسیر قرآن به خود آن تمسک شود. ۱۶ / ۱.
۴۳. المیزان، پیشین، ۳/ ۸۶.
۴۴. همان.
۴۵. همان، ۱/ ۶.
۴۸. المیزان، ۳/ ۸۵.
۴۹. همان، ۳/ ۷۴، ۸۴، ۸۶.
۵۰. روش صحیح تفسیر قرآن «عبد النبی»/ ۵۹.
۵۱. همان/ ۷۰؛ نگاهی به علوم قرآنی «ملکی میانجی»/ ۹۴؛ مناهج البیان/ ۱۵.
۵۲. ر. ک: المیزان گامی نو در تفسیر، «بابایی»/ ۱۴؛ علامه طباطبایی و حدیث «نفیسی»/ ۸۹؛ طرحی نو در بررسی مبانی و قواعد تفسیری علامه طباطبائی «پایان نامه»/ مرکز تربیت مدرس قم ۱۳۸۵/ ۲۲۳-۲۲۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی